

The concept and nature of genocide: A look at the legal aspects of the genocide of Rohingya Muslims

Mohammad Taghi Gohernia¹, Ismail Rahiminejad², Reza Fani³

Abstract

Field and Aims: Although genocide was not an independent crime in the past and was subject to crimes against humanity, the severity and heinous nature of the acts, as well as the special malice that is unique to this crime, quickly recognized it as an independent crime in international documents. This crime has been committed against various groups throughout history, the most recent of which is the Rohingya Muslim. Therefore, while examining the concept and nature of this crime, we study what are the legal dimensions of the genocide of Rohingya Muslims?

Method: This is a qualitative and applied research in terms of purpose and in terms of collecting information by documentary method and studying international documents, sources related to the subject and the obtained information has been analyzed descriptively-analytically.

Findings and conclusion: Although genocide is prohibited and criminalized in international instruments, including the Treaty on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women and the Rome Statute, it is one of the crimes that is now a customary international law that obliges all non-member states to commit such acts. Numerous crimes have been committed against Rohingya Muslims so far, and the government has played an important role in committing and intensifying these crimes, in accordance with the examples of genocide in international instruments such as murder, grievous bodily harm, and deliberate deprivation of life. And measures to prevent childbirth, genocide are being committed in Myanmar.

Keywords: Genocide, International Crime, Myanmar, Rohingya Muslims, International Criminal Court.

*Citation (APA): Gohernia, M., Rahiminejad, I., Fani, R. (2022). The concept and nature of genocide: A look at the legal aspects of the genocide of Rohingya Muslims. *International Legal Research*, 15(55), 127-147.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_689406.html?lang=en

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: mgoharnia54@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Author). Email: rahiminejad@tabrizu.ac.ir

3. Assistant Professor of Law, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. Email: drfaani58@gmail.com



مفهوم و ماهیت نسل زدایی: با نگاهی به ابعاد حقوقی نسل زدایی مسلمانان روهینگیا محمد تقی گهرنیا^۱، اسمعیل رحیمی نژاد^۲، رضا فانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: اگرچه نسل زدایی در گذشته جرم مستقلاً نبود و ذیل جنایات علیه بشریت قرار داشت، اما شدت و شنیع بودن اقدامات و همچنین، سوءنیت خاص که از ویژگیهای منحصر به فرد این جرم است، به سرعت در اسناد بین المللی آن را به عنوان یک جرم مستقل مورد شناسایی قرار داد. این جرم علیه گروه های مختلف در طول تاریخ صورت گرفته که می توان مورد اخیر آن را بر علیه مسلمان روهینگیا عنوان نمود. از این رو، ضمن بررسی مفهوم و ماهیت این جرم به مطالعه این امر می پردازیم که نسل زدایی مسلمانان روهینگا از چه ابعاد حقوقی برخوردار است؟

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها و نتایج: نسل زدایی اگرچه در اسناد بین المللی از جمله معاهده نسل زدایی و اساسنامه رم، منع و جرم انگاری شده است، اما از جمله جنایاتی است که اکنون جزو حقوق بین الملل عرفی و به تعبیری جهانی است که تمامی دول غیرعضو در اسناد مذکور را نیز متعهد می سازد. تاکنون جنایات متعددی علیه مسلمانان روهینگیا ارتکاب یافته است که دولت این کشور نیز نقش مهمی در ارتکاب و تشدید این جنایات داشته است و در انطباق با مصادیق نسل زدایی مقرر در اسناد بین المللی مانند قتل، صدمات شدید روحی و جسمی، قرار دادن عمدی در وضعیت نامناسب زندگی و اقدامات به منظور جلوگیری از تولد، ارتکاب نسل زدایی در میانمار محرز می گردد.

کلیدواژه ها: نسل زدایی، جرم بین المللی، میانمار، مسلمانان روهینگیا، دیوان کیفری بین المللی.

*استناددهی (APA): گهرنیا، محمد تقی؛ رحیمی نژاد، اسمعیل؛ فانی، رضا. (۱۴۰۱). مفهوم و ماهیت نسل زایی: با نگاهی به ابعاد حقوقی نسل زدایی مسلمانان روهینگیا. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۵ (۵۵)، ۱۴۷-۱۲۷.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_689406.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: mgoharnia54@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: rahiminejad@tabrizu.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: drfaani58@gmail.com





مقدمه

انهدام کارتاژ و نابودی اهالی آن توسط رم، قتل عام ارامنه توسط ترکیه، امحای میلیون‌ها دهقان و کشاورز اوکراینی بر اثر قحطی ایجاد شده از سوی استالین، قتل عام میلیون‌ها هندی مسلمان هنگام تجزیه هندوستان، تصفیه ی صدها هزار نفری کمونیست‌های اندونزی، کشتار اعضای حزب عوام لیگ در اثنای جنگ جدایی پاکستان و بنگلادش، قتل عام مردم غیر تیموری در تیمور شرقی، حذف میلیونی جمعیت در کامبوج توسط خمرهای سرخ، به خاک و خون کشیدن خیل عظیم مسلمانان و کرواتها توسط صربستان و قتل و کشتار صدها هزار نفر توتسی در رواندا، جلوه‌های تلخ و وحشتناک فجایع انسانی در جهان به اصطلاح متمدن و پژواکی از ایدئولوژیهای موسوم به فاشیسم، استالینیسم، ناسیونالیسم و نژادپرستی و همچنین، نشان از وجود دولتها، گروه‌ها و قومیت‌هایی است که برای بقای و گسترش تمامیت خود از حذف و محو نژادها و ملیت‌های دیگر ابایی به خود راه نمی‌دهند و در به منصفی ظهور رساندن این گونه افکار سخیف و اوهام پلید، از هیچ روش و منش اهریمنی عدول نکرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

اگرچه نسل‌زدایی قدمت بسیار دارد، اما همواره با آن مقابله نشده است، از جمله در کیفرخواست صادره در دادگاه نورنبرگ که از نسل‌زدایی به‌طور مستقل نام برده نشد و این جرم به عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت پیش‌بینی گردید. مذمومیت بی‌حدومرز این پدیده‌ی شوم در اذهان جهانیان، سازمان ملل متحد را وادار به تصویب کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، به عنوان اولین سند بین‌المللی در این زمینه در ۹ دسامبر ۱۹۴۸، یعنی یک روز پیش از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نمود (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۴۱). سرانجام، در پی جنایات هولناک کشتار جمعی در یوگسلاوی سابق و رواندا، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی متعاقب قطعنامه‌های شورای امنیت، به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ تشکیل گردید. رأی معروف در خصوص آکایزو اولین اقدام عملی یک دادگاه بین‌المللی، در اجرای واقعی کنوانسیون ۱۹۴۸ به شمار می‌رود. شرایط جدید فضای بین‌المللی، یکصد و بیست کشور جهان را بر آن داشت که در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۹۸ به پیش‌نویس اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک محکمه‌ی دائمی و تمام‌عیار رأی مثبت بدهند (شریفی، ۱۳۷۷: ۷۰).

مهمترین اقدام در زمینه تعریف و جرم‌انگاری نسل‌زدایی در کنوانسیون رم است که در نهایت منجر به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی گردید. مقررات این کنوانسیون به بیان مصادیق نسل‌زدایی پرداخته و توانست چارچوبی از این جرم ارائه دهد. با توجه به جنایت‌های وحشتناکی که در میانمار به جرم اینکه مسلمانان در اقلیت مذهبی بودند و مورد طرد حکومت و اکثریت مذهبی جامعه میانمار قرار داشتند، به وحشیانه‌ترین شکل ممکن مورد آزار و اذیت قرار گرفته و قتل عام

شدند. لذا، به بررسی ماهیت جرم نسل‌زدایی و ابعاد حقوقی نسل‌زدایی مسلمانان روهینگیا می‌پردازیم.

۱. ارکان و عناصر بزه نسل‌زدایی

واژه نسل‌کشی برای شرح اعمال بیرحمانه جنایتکاران آلمان نازی در محاکمات نورنبرگ استفاده شد. نسل‌کشی عبارت است از هرگونه اقدام و مبادرت جهت نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی نژادی، قومی، ملی، مذهبی، ایدئولوژیکی. آن زمانی که تعبیرهای جزئی در مورد نسل‌کشی تغییر می‌کرد، اولین تعریف قانونی این عمل در بیانیه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ حول «جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی» شکل گرفت. تصویب معاهده بین‌المللی پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نهم دسامبر ۱۹۴۸ و الحاق کثیری از کشورهای جهان به معاهده مذکور، باعث محکومیت گسترده این جنایت در جامعه بین‌المللی گردید. ماده ۲ معاهده، که عیناً در مواد ۲ و ۴ اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد اقتباس قرار گرفته است (اردیلی، حبیب زاده و فخرناب، ۱۳۸۵: ۳).

ماده (۶) کنوانسیون رم در توصیف جرم نسل‌زدایی مقرر می‌دارد: «منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هریک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد. قتل اعضای یک گروه، ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیات زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد، انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر».

۱-۱. عنصر قانونی بزه نسل‌زدایی

با وجود اینکه مواد ۲ و ۳ از پیمان منع و مجازات نسل‌زدایی مبنای جرم‌انگاری نسل‌زدایی بوده و در مورد دولت‌های متعاقد قابل اعمال است و ماده (۶) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر این مبناء اضافه شده، اما نسل‌زدایی از جنایاتی است که اکنون جزو حقوق بین‌الملل عرفی و به تعبیری، جهانی است که تمامی دول غیرعضو در اسناد مذکور را نیز متعهد می‌سازد.

اگرچه نسل‌زدایی به رغم مبانی بیان‌شده به عنوان جنایت بین‌المللی شناخته شده، اما مجازات خاصی برای آن پیش‌بینی نشده است. با این وجود، مسئله لاینحل نمانده، از سویی ماده (۵) پیمان، طرف‌های معاهده را ملزم به تعیین مجازات‌هایی در قوانین داخلی خود نموده است و از سوی دیگر، ماده (۶) پیمان، یک دادگاه بین‌المللی را پیش‌بینی می‌کند که در صورت طرح مورد در این



دادگاه بین‌المللی، علاوه بر امکان توسل به مجازات‌های حقوق کیفری داخلی، گفته شده که می‌توان از ماده (۲۷) اساسنامه دادگاه نورنبرگ نیز بهره جست؛ از آنجایی که نسل‌زدایی از انواع جنایات علیه بشریت مندرج در ماده (۶) اساسنامه دادگاه نورنبرگ می‌باشد.

ماده (۲۷) مذکور مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند در مورد متهمین که نسبت به مجرمیت آنها اعتقاد پیدا می‌کند، مجازات اعدام یا هر مجازات دیگری را که متناسب تشخیص دهد، اعلام کند.» با این حال، اگر متهم مطابق مقررات دیوان کیفری بین‌المللی و در این محکمه، به جرم رسیدگی شود، امکان اعدام با توجه به ماده (۷۷) کنوانسیون رم وجود ندارد (جوانمردی، ۱۳۸۴: ۵).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد «مقاله نامه منع و مجازات جنایت نسل‌کشی» را در تاریخ نهم دسامبر ۱۹۴۸ طی قطعنامه شماره ۲۶۰ a به تصویب رساند که علاوه بر تعریف این جنایت و جرائم وابسته به آن در موارد ۲ و ۳، ماده ۶ آن از جلب متهمان به ارتکاب این جنایت به دادگاه‌های صالح کشور محل وقوع جرم یا دادگاه بین‌المللی کیفری، که کشورهای متعاقد این مقاله‌نامه صلاحیت آن را پذیرفته باشند، سخن گفته است. تعریفی که در ماده ۲ این مقاله‌نامه از جنایت نسل‌کشی به عمل آمده، بی‌کم‌وکاست در ماده ۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، ماده ۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا و ماده ۶ اساسنامه رم برای تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری وارد شده است. جرائم وابسته نسل‌کشی، یعنی، تبانی، تحریک مستقیم و علنی، شروع و معاونت در نسل‌کشی نیز که در ماده ۳ مقاله‌نامه آمده، در بند ۳ ماده ۴ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق، بند ۳ ماده ۲ اساسنامه دیوان رواندا و ماده ۲۵ اساسنامه رم پیش‌بینی شده‌اند (فخر، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

۲-۱. عنصر مادی بزه نسل‌زدایی

قصد خاص نابودی کل یا بخشی از یک گروه خاص (ملی، قومی، نژادی، مذهبی) بدون انجام رفتار مجرمانه و بدون وجود شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر واقعه، نسل‌کشی تلقی نمی‌گردد. تحقق نسل‌کشی، منوط به تجلی نیت مرتکب در قتل اعضای یک گروه، ورود آسیب شدید نسبت به سلامتی جسمی یا روحی اعضای گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامطلوب منجر به زوال جسمی، انجام اقداماتی به منظور ممانعت از تولد و تناسل از یک گروه و انتقال اجباری اطفال از یک گروه به گروه دیگر است. در ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، ماده ۴ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق، ماده ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا و ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به این امر تصریح شده است (عزیزی و حاجی، ۱۳۹۰: ۱۷).

مصادیق مزبور حاکی از تحقق دو نوع ژنوسید فیزیکی و بیولوژیکی است و به جهت مخالفت کشورهای مثل شوری سابق، مشمول ژنوسید فرهنگی و سیاسی نشد. همچنین، تحقق اکثر مصادیق نسل کشی، از طریق رفتار مثبت مجرمانه (فعل)، به معنای عدم تکافوی ترک فعل در وقوع برخی از موارد آن نیست؛ چندان که در قضیه‌ی کامباند (نخست وزیر رواندا)، دادگاه وی را به جهت عدم انجام وظیفه‌اش در توقف قتل عام‌های رخ داده به رغم آگاهی، مقصر به نسل کشی شناخت (کریانگساک، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

اگرچه در اسناد بین‌المللی به تعریف گروه نبرداخته، اما رویه‌ی قضایی منبعث از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مانند رواندا، در پرونده‌ی اشخاصی چون آکایزو، در صدد رفع این خلاء برآمده و گروه را دارای ماهیتی باثبات و بادوام توصیف نموده است، به نحوی که عضویت در آن به نحو غیرارادی، از طریق تولد و غیرقابل برگشت می‌باشد. بر همین پایه، گروه‌های شکننده و کم‌دوام مثل گروه‌های سیاسی و اقتصادی، از شمول این جنایت خارج گردیدند (شریعت باقری، ۱۳۸۷: ۴۵).

در خصوص گروه ملی نیز باید گفت که گروه ملی به اقلیتی اطلاق می‌شود که در تابعیت یک دولت به سر می‌برند و با حفظ علایق قومی، مذهبی و زبانی از اکثریت حاکم متمایزند. گروه ملی متشکل از افرادی است که خواستگاه ملی مشترک دارند؛ اما ممکن است ملیت کشور دیگری را پذیرفته باشند. بنابراین، ملیت نشان‌دهنده وضعیت سیاسی - حقوقی فعلی شخص است. پس، گروه ملی و ملیت گروه را نباید با هم اشتباه کرد (اردیلی، ۱۳۸۳: ۱۹). دیوان کیفری برای رواندا در قضیه آکایسو^۱ «گروه ملی» را این چنین تعریف کرده است: «به اجتماعی از مردم گفته می‌شود که به نظر می‌رسد در یک پیوند حقوقی مبتنی بر تابعیت مشترک سهیم بوده و با مجموعه‌ای از حقوق و وظایف متقابل با یکدیگر پیوند خورده‌اند» (آکایسو، ۱۹۹۸: ۵۱۲).

همچنین، در خصوص گروه نژادی، دیوان رواندا معتقد است که «تعریف کلاسیک گروه نژادی مبتنی است بر ویژگی‌های جسمانی ارثی که معمولاً در منطقه جغرافیایی خاصی مورد شناسایی قرار گرفته و مستقل از عوامل فرهنگی، زبانی، ملی یا مذهبی هستند». دیوان رواندا هیچ اشاره‌ای به منبع تعریف ارائه شده نمی‌کند، تعریفی که علاوه بر توجه صرف به خصوصیات صرفاً آناتومیک مجموعه‌ای از افراد و نادیده گرفتن ویژگی‌های عام و روانی یک گروه، با معنای علمی مدرن لفظ «نژاد» و کاربرد حقوقی رایج آن نیز مطابقت لازم را ندارد. به عنوان مثال، کنوانسیون بین‌المللی حذف هرگونه اشکال تبعیض نژادی واژه نژاد را به ویژگی‌های جسمانی نژادی محدود نمی‌کند، بلکه بر طبق این کنوانسیون، تبعیض نژادی عبارت است از: «هر گونه

1. Akayesu



تمایز، استثناء، محدودیت یا ترجیح مبتنی بر نژاد، رنگ، ریشه یا اصالت ملی و یا قومی». (آذری، ۱۳۸۵: ۷۶).

گروه‌های مذهبی که البته موردنظر این پژوهش است به جماعتی اطلاق می‌شود که از یک آرمان مشترک معنوی تبعیت می‌کنند. پیروان ادیان معمولاً با گذاردن اعمال و مناسک خاص که نشان دهنده وحدت عقیده در میان آنهاست، از پیروان سایر ادیان به سهولت بازشناخته می‌شوند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۷۸). اگرچه مفهوم گروه مذهبی پیچیدگی موجود در مفهوم سایر گروه‌ها را ندارد و می‌تواند شامل هر جامعه مذهبی باشد که از طریق یک ایدئال معنوی به هم پیوند می‌خورد، از نظر دیوان کیفری برای روآندا، گروه مذهبی گروهی است که اعضای آن از دین، اعتقاد یا روش عبادت مشترکی برخوردارند (آذری، ۱۳۸۵: ۷۷).

۱-۳. عنصر معنوی بزه نسل‌زدایی

عموم جرائم عمدی، اعم از مطلق و مقید، داخلی یا بین‌المللی، به جز جرائم مادی صرف، از برای تحقق و ایجاد، نیازمند سوءنیت می‌باشند، به این معنا که اراده‌ی خودآگاه شخص به رفتار ممنوعه و نتیجه‌ی مترتب بر آن تعلق می‌گیرد (حبیب زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

بر این مبنا، بزه نسل‌زدایی نیز دارای رکن معنوی می‌باشد که عبارت است از: الف- سوءنیت عام، که در پی تعلق اراده‌ی خودآگاه مرتکب بر فعل صلاحیت‌دار صورت می‌پذیرد؛ ب- سوءنیت خاص، که در پرتو اراده مرتکب بر سلب حیات قربانی شکل می‌گیرد؛ ج- انگیزه، که بر پایه‌ی خواسته‌ی مرتکب دایر بر نابودی تمام یا بخشی از یک گروه خاص معنا پیدا می‌کند.

علاوه بر انگیزه، ترک فعل نیز می‌تواند تفاوت دیگری بین قتل عادی و ژنوسید، از منظر حقوق ایران باشد؛ چه این که، با توجه به استعمال مکرر واژه‌ی «انجام دادن» در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، رویه قضایی قائل به تکافوی ترک فعل برای تبدیل شدن به عنصر مادی قتل عمد نیست؛ لیکن، رویه‌ی قضایی بین‌المللی، در تحقق نسل‌کشی تفاوتی بین فعل و ترک فعل قائل نیست، به گونه‌ای که در بخش سوم کیفرخواست صادره علیه رادوان کارادزیچ و راتکو ملادیچ در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۵ به این موضوع تصریح شده که آنان به رغم دانستن یا وجود دلایلی بر دانستن این موضوع که زیردستانشان در مراکز بازداشت در شرف کشتن یا ایراد صدمه‌ی شدید جسمانی یا روانی به مسلمانان و کرواتهای بوسنی می‌باشند و با این قصد که همه یا بخشی از آنها را به عنوان گروه خاص از بین ببرند، از انجام اقدامات لازم جهت جلوگیری از این کار یا مجازات مرتکبان خودداری ورزیده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۱۰۲). با این همه، از پیچیدگی‌های جنایت نسل‌کشی، احراز انگیزه‌ی نابودی گروه است که اگر نگوییم غیرممکن، بی‌تردید غامض و مشکل بوده و همین ضابطه، دستاویزی به دست جانیان به ویژه دولت مردان و صاحبان قدرت داده است تا با اهرم ساده‌انگار، از اتهام به این جرم رهایی یابند (کاسسه، ۱۳۸۷: ۲۲۳).

در جرم نسل‌زدایی، وجود سوءنیت خاص ضروری است و بر این اساس، زمانی می‌توان از وقوع بزه نسل‌زدایی سخن گفت که هر کدام از عناصر مادی بیان شده با سوءنیت نابودی جزئی یا کلی یک گروه قومی، نژادی، ملی یا مذهبی روی دهد.

دادگاه کیفری رواندا در تشریح عنصر معنوی این جرم گفت: «به کلام دقیق، در صورتی می‌توان از هر کدام از اعمال مندرج در قسمت دوم ماده ۲ اساسنامه به عنوان عنصر تشکیل دهنده نسل‌کشی نام برد که آن اقدام علیه یک یا چند نفر بدان دلیل انجام شود، که آن فرد یا افراد اعضای خاصی هستند و بدان گروه تعلق دارند. بنابراین، مجنی علیه به دلیل هویت فردی خود انتخاب نمی‌شود، بلکه به واسطه عضویتش در یک گروه ملی، نژادی یا زبانی مورد هدف قرار می‌گیرد. به این ترتیب، قربانی حمله عضو یک گروه است و به همان دلیل انتخاب شده است. معنای این سخن آن است که قربانی جنایت نسل‌کشی نه اعضای گروه، بلکه خود گروه می‌باشد» (عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

به رغم دشواری غیرقابل انکار تشخیص انگیزه متهمان از ارتکاب نسل‌زدایی، رویه قضایی بین‌المللی با اهتمام به اوضاع و احوال هر پرونده و شرایط ویژه حاکم بر هر قضیه، در تکاپوی کشف واقع برآمده است؛ به گونه‌ای که میزان بی‌رحمی و قساوت به خرج داده شده، گزینش گروه خاص نسبت به سایرین، استمرار کشتار، وجود برنامه خاص، استفاده از الفاظ و اعمال تحقیرآمیز، کیفیت اقدامات انجام یافته، تعداد قربانیان گروه، اعتبار و جایگاه برجسته قربانی جرم، نوع سلاح‌های به کارگیری شده، هدفمندی عامدانه و سیستماتیک قربانی کردن اعضای گروه، در هر دو دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا، به عنوان سنگ محک تشخیص انگیزه مورد استفاده واقع شده است (شریفی، ۱۳۷۷: ۸۲).

۲. ابعاد حقوقی نسل‌زدایی در روهینگیا

میانمار حدود ۵۱ میلیون جمعیت و ۱۳۵ گروه قومی شناسایی شده و رسمی دارد. روهینگایی‌ها، مردمی اکثراً مسلمان با زبانی متفاوت از زبان اکثریت ساکنین بودایی ایالت آراکان (راخین) هستند. در ایالت راخین گروه‌های قومی و مذهبی دیگری هم زندگی می‌کنند و جمعیت تقریبی مردم روهینگیا در این ایالت حدود یک میلیون و یک صد هزار نفر است. این گروه در لیست صد و سی و پنج گروه اقلیت ملی - قومی شناسایی شده در این کشور قرار ندارد. با توجه به اینکه، اکثریت افراد این گروه به عنوان شهروند میانمار تلقی نمی‌شوند، اکنون آنها از منظر حقوق بین‌الملل افراد بی‌دولت شناخته می‌شوند (کردونی، ۱۴۰۰: ۲۹۵).

در سال ۱۹۸۲ قانون تابعیت میانمار، به تصویب رسید که به موجب این قانون، از میان ۱۴۴ قومیت موجود در میانمار، افراد داخل در ۱۳۵ قومیت تابعیت اصلی کشور میانمار را دریافت کردند و ۹ دسته از اقوام اقلیت از این حق محروم شدند که بزرگترین آنها، قوم روهینگیا بود. البته،



قانون مذکور، امکان اخذ تابعیت اکتسابی و تابعیت مستند را نیز پیش‌بینی کرده، لیکن شرایط سختگیرانه‌ای که قانون برای بهره‌مندی از این نوع تابعیت‌ها ضروری می‌داند، در عمل، مسلمانان روهینگیا را از داشتن تابعیت محروم کرده است (روستایی و آرش پور، ۱۳۹۶: ۵۶). توجیهی که دولت میانمار برای استثناء کردن مسلمانان روهینگیا از شمول گروه‌های نژادی و ملی به رسمیت شناخته شده ارائه می‌کند، این است که مسلمانان روهینگیا ساکنان بومی میانمار نیستند، بلکه از کشور همسایه، یعنی بنگلادش، به این کشور مهاجرت کردند (دیدبان حقوق بشر^۱، ۲۰۱۳: ۱۰۹).

۱-۲. ماهیت جنایات ارتكابی در میانمار

تاکنون جنایات متعددی علیه مسلمانان روهینگیا ارتکاب یافته است که دولت این کشور نیز نقش مهمی در ارتکاب و تشدید این جنایات داشته است. با این وجود، اوج ارتکاب این تحت حمایت دولت میانمار و جنایات و نقض حقوق بشر علیه مسلمانان روهینگیا اخیراً به ویژه ارتش این کشور صورت گرفته که احساسات جامعه بین‌المللی را بیش‌ازپیش خدشه‌دار ساخته است (مورفی^۲، ۲۰۱۷: ۵).

از ۲۵ اوت ۲۰۱۷، نیروهای نظامی و امنیتی میانمار اقدام به پاک‌سازی قومی مسلمانان روهینگیا در ایالت راخین کردند. عملیات نظامی مذکور با حملات گروه مسلح موسوم به «ارتش رستگاری آراکان روهینگا»^۳ به ۳۰ پاسگاه نیروهای امنیتی و یک پایگاه ارتش که ۱۱ تن از کارکنان امنیتی میانمار را به قتل رساند، آغاز شد^۴. اعمال متعاقب این عملیات ددمشانه که کشتار، تجاوز به زنان و کودکان، آتش‌سوزی، خشونت، دستگیری‌های خودسرانه، تفتیش منازل و... در صدها روستای روهینگیا را در برمی‌گرفت، بیش از ۶۰۰ هزار مسلمان روهینگایی به کشور همسایه، یعنی بنگلادش، پناهنده شدند؛ در حالی که صدها هزار روهینگایی موفق به فرار نشده و در ایالت راخین آواره شدند^۵.

با احتساب درگیری‌های قبلی در روهینگیا که بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ اتفاق افتاده است، تعداد پناهندگان روهینگایی که خود را به کشور بنگلادش رسانده‌اند، به یک میلیون نفر می‌رسد. پناهندگان در حالی خود را به کشور بنگلادش رسانده بودند که در وضعیت اسفبار گرسنگی، خستگی و بعضاً همراه با آثار گلوله، تجاوز و سوختگی قرار داشتند. اگرچه میانمار وظیفه داشت که به این حملات پاسخ دهد، اما نه تنها این مسئولیت را دنبال نکرد، بلکه ارتش میانمار بلافاصله با

1. Human Rights watch

2. Murphy

3. Arakan Rohingya Salvation Army (ARSA).

4. Human Rights Watch, Burma: Widespread Rape of Rohingya Women, Girls, 2017. Available from: <https://www.hrw.org/news/2017/11/16/burma-widespread-rape-rohingya-women-girls>.

5. Human Rights Watch, All of My Body Was Pain, 2017: 1. Available from: <https://www.hrw.org/report/2017/11/16/all-my-body-was-pain/sexual-violence-against-rohingya-women-and-girls-burma>.

حمایت دولت، پلیس مرزی و روستاییان بودایی مسلح، حملات گسترده‌ای را تحت عنوان عملیات ضدشورش علیه تعداد زیادی از روستاهای روهینگیا انجام داد.

در گزارش دیده‌بان حقوق بشر درباره درگیری‌های اخیر میانمار آمده است: «نیروهای امنیتی میانمار از مسلمانان در مقابل بوداییان محافظت نکردند و در عوض، یک کمپین خشونت آمیز علیه مسلمانان به راه انداختند. از سوی دیگر، سربازان و نظامیان به جای حفاظت از آنان، به سمت آن‌ها آتش گشوده و به زنان تجاوز کردند».^۱ برخی از جنایات ارتکاب یافته بی سابقه توسط بوداییان میانمار علیه کودکان، زنان و مردان مسلمان روهینگیا در منظر نیروهای امنیتی و بدون کوچکترین واکنش آن‌ها صورت گرفته و برخی با معاونت و مشارکت مستقیم نیروهای نظامی و امنیتی میانمار، به ویژه ارتش، تحقق یافته است؛ به طوری که هم مردم عادی و هم نیروهای نظامی میانمار بر روی مسلمانان بی دفاع روهینگیا که شامل ده‌ها زن و کودک و پیر و جوان هستند، آتش گشودند. در این فاجعه دهشتناک، صدها نفر مسلمان کشته و زخمی و تعدادی نیز ربوده و ناپدید شده‌اند که آمار آن تا ۳۰ هزار نفر تخمین زده شده است.^۲

به موجب ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (کنوانسیون رم)، به پیروی از ماده II «کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی»، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ که دولت میانمار نیز آن را در ۳۰ دسامبر ۱۹۴۹ امضا و در ۱۴ مارس ۱۹۵۶ تصویب کرده است، ارتکاب هریک از اعمال پنج‌گانه قتل، ایراد صدمات شدید جسمانی و روانی، تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسب، تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل و انتقال اجباری اطفال از یک گروه به گروه دیگر، در صورتی که به قصد از بین بردن همه یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد، می‌تواند موجب تحقق جنایت «نسل‌کشی یا ژنوسید» به عنوان شنیع‌ترین جنایت بین‌المللی شود (رحمتی و میر محمدصادقی، ۱۳۹۸: ۹۵). در ارتباط با نسل‌زدایی در میانمار لازم است تا مصادیق جرن نسل‌زدایی را با وقایع انجام شده در میانمار بر علیه مسلمانان روهینگیا مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۱-۱. قتل

مسلمانان روهینگیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ از جمله در فاصله مه ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۲، سال ۲۰۰۱ و مجدداً ۲۰۱۲، با امواج خشونت‌های گسترده و مهاجرت اجباری مواجه شده و مکرراً بازداشت‌ها و اعدام‌های خودسرانه، سربه‌نیست کردن، شکنجه و تجاوز به عنف را در زندگی روزمره خود شاهده بوده‌اند. مسلمانان روهینگیا نسبت به سایر اقلیت‌های قومی میانمار، از نظر کار اجباری و آزارهای همراه با آن، از جمله کشتار، نابودسازی، بازداشت‌های خودسرانه و نقض حقوق بشر،

1. Human Rights Watch, 2017: 11-12
2. Human Rights Watch, 2017: 25-32



وضعیت وخیم‌تری دارند. محققان مرکز حقوق بشر ایرلند در گزارش خود راجع به مسلمانان روهینگیا که در سال ۲۰۱۰ ارائه شد، اظهار کردند منابع موجود دلالت بر آن دارد که کشتارهای تبعیض‌آمیز در ایالت راخین شمالی در جریان است. این کشتارها تنها به این دلیل تبعیض‌آمیز خوانده می‌شوند که اکثر حوادثی که در ایالت راخین گزارش می‌شوند، غالباً علیه مسلمانان روهینگیا است (مرکز حقوق بشر ایرلند، ۲۰۱۰: ۱۲۴).

همچنین، موج جدیدی در سال ۲۰۱۲ میلادی علیه مسلمانان روهینگیا آغاز گردید. دولت میانمار تعداد کشته‌شدگان خشونت سال ۲۰۱۲ را ۱۹۲ نفر اعلام نمود. این آمار به شدت مورد اختلاف است و احتمال آن وجود دارد که دولت به شکل فاحشی تعداد کشته‌شدگان را کمتر برآورد کرده است (زرنی و کوئلی^۱، ۲۰۱۴: ۷۱۴). دیدبان حقوق بشر چهار گور دسته‌جمعی را در پیرامون خشونت‌های سال ۲۰۱۲ شناسایی کرده است که اهالی روستاها اظهار کرده‌اند که آنها مجبور به حفر گورهای دسته‌جمعی شده‌اند (گزارش دیدبان حقوق بشر، ۲۰۱۳: ۷).

۲-۱-۲. صدمات شدید روحی و جسمی

مطابق ماده (۲) کنوانسیون نسل‌زدای: «در قرارداد فعلی، مفهوم کلمه (ژنوساید) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد، از این قرار است:.... ب- ایراد آسیب شدید نسبت به سلامت...»

در کنوانسیون نسل‌زدایی و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، رویه قضایی هر نوع عمل مستلزم تغییر در اندام‌های بدن و مخمل حواس شخص، در قالب اعمالی چون شکنجه، رفتارهای خشونت‌آمیز، غیرانسانی و تجاوز به عفت را، تظاهر آسیب شدید جسم و هر اقدام منجر به اختلال در وضعیت روانی قربانی و مستولی شدن ترس و وحشت فزاینده بر وی را، معیار آسیب شدید روانی پنداشته است (صادقی، ۱۳۷۸: ۹۶).

موارد فراوانی از خشونت علیه مسلمانان روهینگیا، نشان‌دهنده وقوع آسیب شدید بر مردم روهینگیاست که همه این خشونت‌ها با شکنجه از سوی ناساکایا نیروی امنیتی حفاظت‌کننده از مرزها، ارتش و نیروی پلیس میانمار همراه بوده است. همچنین، مقامات دولتی از شکنجه به منزله ابزاری برای پاکسازی هویت روهینگیا استفاده می‌کردند. پروژه سنتینل برای پیشگیری از نسل‌زدایی گزارش کرده است که ناساکای ارتش میانمار سابقه تاریخی در ارتکاب جرائمی نظیر تجاوز به عفت و شکنجه علیه مسلمانان روهینگیا دارند (گزارش سنتینل برای پیشگیری از نسل‌زدایی^۲، ۲۰۱۳: ۲۸-۲۹).

1. Zarni & Cowely
2. Sentinel Project for Genocide Prevention

۲-۱-۳. قرار دادن عمدی در وضعیت نامناسب زندگی

در بند (۳) ماده (۲) کنوانسیون نسل‌زدایی، یکی دیگر از مصادیق نسل‌زدایی را «قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیات زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود»، عنوان نموده است؛ که البته، همین عبارت در اساسنامه رم نیز تکرار شده، بدون آنکه در هر دو سند توصیف بیشتری ارائه گردد.

گزارش مرکز حقوق بشر ایرلند بیانگر آن است که انتقال اجباری مسلمانان روهینگیا از محل زندگی خود و اسکان آنها در اردوگاه‌های ویژه یا اخراج آنها به خارج از کشور و متعاقباً، جلوگیری از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، غذا و فرصت‌های شغلی درآمدها، مسلمان روهینگیا را در معرض وضعیت زندگی نامناسب قرار داده است که در نهایت، منجر به از میان رفتن آنها گردیده است. همچنین، تحمیل نمودن کار اجباری نیز یکی دیگر از اعمالی بود که از جانب ناسا، ارتش و پلیس میانمار بر علیه مسلمانان روهینگیا اعمال می‌شود و آنان را در معرض وضعیت نامناسب برای زندگی قرار داد که مسبب نابودی فیزیکی آنها شد (گزارش مرکز حقوق بشر ایرلند، ۲۰۱۰: ۵۰).

اعمال خشونت و حریق عمدی در ایالت راخین در میانمار سالهاست که علیه مسلمانان روهینگیا اعمال می‌گردد که البته، برخی از این موارد را شهروندان راخین مرتکب می‌گردند. اما بسیاری از مسلمانان روهینگیا اعلام نموده‌اند که نظامیان و نیروهای پلیس نظاره‌گر این تخریب‌ها بوده‌اند و حتی در به آتش کشیدن خانه‌های روهینگایی و ممانعت از اطفاء حریق از سوی روهینگایی‌ها مشارکت داشته‌اند. نیروهای نظامی پس از تخریب منازل، مسلمانان را به اروگاه‌های ویژه منتقل می‌کنند و آنها در آنجا با شرایط نامناسبی روبه‌رو می‌شوند و از فقدان غذا، آب و دارو رنج می‌برند (گزارش سازمان کلینیک حقوق بشر بین‌المللی^۱، ۲۰۱۵: ۴۸).

در طول سالهایی که از اجرای قانون تابعیت ۱۹۸۲ گذشته است، الگوی اقداماتی که دولت برای نابودسازی فیزیکی مردم روهینگیا انجام داده است، بیانگر آن است که مردم روهینگیا با فرآیند نسل‌زدایی از طریق تحمیل شرایط دشوار زندگی که به نابودی فیزیکی همه یا بخشی از گروه منجر می‌شود، دست‌وپنجه نرم کرده‌اند (زرنی و کرولی، ۲۰۱۴: ۷۳۴).

۲-۱-۴. اقدامات به منظور جلوگیری از توالد

در بند (۴) ماده (۲) کنوانسیون نسل‌زدایی این عمل با این عبارت به عنوان یکی از مصادیق نسل‌زدایی بیان شده است: «...اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل آن گروه صورت گیرد...». همین امر با عبارتی مشابه در بند (۴) ماده (۶) اساسنامه رم بیان شده که مقرر می‌دارد:

1. International Human Rights Clinic



«تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل گروه» که در این خصوص نیز توصیف بیشتری در هر دو سند ارائه نشده است.

دولت میانمار از طریق پخش دستورالعمل‌هایی تلاش نموده است تا از طریق وضع محدودیت‌های شدید بر ازدواج، زادوولد، تعداد فرزندان و رفت‌وآمد مردم روهینگیا، جمعیت آنان را در ایالت راخین شمالی کنترل نماید. قصد نابود کردن مردم روهینگیا از طریق این اقدامات بی‌رحمانه در دستورالعمل‌های ناسا کا نمود می‌یابد که مقرر داشته: «برای محدود کردن رشد این بنگالی‌ها، پیاده کردن اقدامات کنترل جمعیتی ضروری است. محدودیت‌ها و موانع ضروری دیگر باید به عنوان روش‌های پیشگیرانه کنترل جمعیت اتخاذ شوند.» (زرنی و کرولی، ۲۰۱۴: ۷۲۹).

در میانمار، بوداییان و سایر گروه‌های قومی می‌توانند بر طبق رسوم و آداب دینی خود ازدواج کنند، زیرا ازدواج امری خصوصی تلقی می‌گردد و به تأیید رسمی نیازی نیست. در خصوص مردم روهینگیا وضعیت کاملاً متفاوت است، زیرا برای دریافت مجوز ازدواج بخشنامه‌ای صادر شده است که اجرای آن محرومیت عمدی و تبعیض آمیز مردم روهینگیا از حقوق بنیادین آنها محسوب می‌شود. جامعه بین‌المللی از جمله نهادهای سازمان ملل متحد از میانمار خواسته‌اند بخشنامه‌های مرتبط با مجوز ازدواج و محدودیت بارداری را لغو کند (روستایی و آرش پور، ۱۳۹۶: ۱۰۹۷).

با توجه به اینکه بخشنامه ایالتی در خصوص اخذ مجوز ازدواج منحصراً در خصوص مردم روهینگیا اجرا می‌شود، روشن است که محدودیت‌هایی که برای حق ازدواج مقرر شده، مبنای نژادی یا مذهبی دارد (گزارش مرکز حقوق بشر ایرلند، ۲۰۱۰: ۱۳۱).

در نهایت، پیرامون جنایات ارتكابی اخیر در میانمار، باید گفت با توجه به مستندات، تصاویر و فیلم‌های موجود، تردیدی وجود ندارد که حداقل دو مورد از اعمال پنج‌گانه فوق، یعنی قتل و ایراد صدمات شدید جسمانی، به عنوان عنصر مادی نسل‌کشی، کارا و به شیوه‌های بسیار وحشیانه‌ای علیه مسلمانان روهینگیا ارتكاب یافته است؛ از سوی دیگر، اگرچه مقامات میانمار ادعا می‌کنند که عملیات نظامی در راخین، به منظور ریشه کن کردن تروریست‌ها در پی حملات آنها به ایستگاه‌های پلیس صورت گرفته است،^۱ با توجه به قرائن و شواهد موجود، از جمله سابقه و استمرار سیاست‌های تبعیض آمیز و اقدامات جنایتکارانه دولت میانمار و نیروهای امنیتی و نظامی و ساکنان بودایی این کشور علیه مسلمانان روهینگیا، گستردگی این اقدامات و نیز اظهارات و مواضع قبلی دولت میانمار در مورد این گروه، می‌توان سوءنیت خاص الزم برای تحقق جرم نسل‌کشی، یعنی قصد از بین بردن مسلمانان روهینگایی را به عنوان یک گروه قومی، مذهبی و حتی ملی (در فرض

1. United Nation

میانماری ندانستن آنها طبق ادعای برخی مقامات دولت میانمار) در فاجعه انسانی اخیر محرز دانست (گزارش مرکز حقوق بشر ایرلند، ۲۰۱۰: ۹۵).

۳. مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار

یکی از مباحثی که در خصوص نسل‌زدایی میانمار قابل بررسی است، مسئولیت این دولت در قبال نسل‌زدایی صورت گرفته است. به عبارت دیگر، دولت میانمار تعهداتی در قبال مسلمانان روهینگیا داشته که ملزم به رعایت آن بوده و اقدامات صورت گرفته نشان از عدم ایفاء تعهدات و به تعبیری، مسئولیت بین‌المللی این دولت دارد.

تعهدات حقوق بشری در کشورها بر هر دو منبع معاهده و قانون عرفی مبتنی است. میانمار عضو کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن درباره فروش کودکان، فحشاء کودک و پورنوگرافی کودکان، کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق افراد معلول و سایر معاهدات بین‌المللی حقوقی مهم است. از سوی دیگر، تعهدات تحت میثاقین و اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر نرم‌های بنیادین حقوق بشری، جزئی از قوانین عرفی بین‌المللی محسوب می‌شوند که حتی اگر کشوری عضو معاهدات مذکور نباشد، ملزم به رعایت تعهدات عرفی بین‌المللی آن است (نیاورانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰).

بر اساس ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مفاد آن عرفی و لازم‌الاجرا هستند، همه افراد از حق داشتن تابعیت بهره‌مند هستند و احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیتش محروم ساخت. در مقدمه کنوانسیون لاهه مصوب ۱۹۳۰ نیز آمده است که «به نفع مردم جامعه بین‌المللی است که هر فرد دارای تابعیت باشد.» در کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است که تابعیت کودکان بی‌درنگ پس از به دنیا آمدن آنها ثبت شود و عنوان شده است که کودکان از بدو تولد، حق برخورداری از تابعیت را دارند. از منظر معاهده کاهش بی‌تابعیتی، مصوب ۱۹۶۱ م، سلب تابعیت به عنوان یک مجازات از نظر بسیاری از کشورها و کنوانسیونهای بین‌المللی مذموم و محکوم است. بر این اساس، اگر فرض بر سلب تابعیت فرد یا افرادی از ساکنان یک کشور باشد، بی‌تابعیتی نباید مانع اعمال قواعد حقوق بشری درباره افراد مورد اشاره در ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۵۴ شود.^۱

طبق ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر - که مفاد آن عرفی و لازم‌الاجرا هستند - هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و بر اساس بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه بدون مجوز (از حق زندگی محروم کرد). کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۰ تصریح می‌کند که دولتها وظیفه مهمی در جلوگیری از جنگ،

1. Convention relating to the-Status of Stateless Persons, 1954, 'Article 8



نسل‌کشی و سایر اقدامات خشونت‌بار ناقض حق حیات بر عهده دارند (کمیته حقوق بشر^۱، ۱۹۸۲: ۲-۱).

گزارشگران ویژه سازمان ملل پیوسته گزارشهایی را درباره نقض حقوق بشر، نقض حق زندگی و آزادی و امنیت روئینگی از سوی نیروهای امنیتی و سایر مقامات کشور میانمار گزارش کرده‌اند. این اقدامات شامل اعدام‌های غیرقانونی، ناپدید شدن اجباری، دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، کار اجباری و اخراج صدها هزار تن روئینگیایی به بنگلادش است که نقض مواد ۳، ۴، ۵ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است (نیاورانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲). بر این مبناء، رعایت قواعد حقوق بشر در قبال مسلمانان روئینگیایی حتی به فرض اینکه تبعه دولت میانمار محسوب نشوند نیز از جمله تعهدات دولت حقوق بشری دولت میانمار محسوب می‌شود. عدم رعایت حقوق بنیادین این مردم توسط دولت میانمار از جمله علل مسئولیت بین‌المللی آن می‌باشد. همچنین، باید گفت علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار، مسئولیت جامعه بین‌المللی به رعایت و تضمین رعایت توسط دولت‌های دیگر در خصوص تعهدات عام الشمول، قواعد آمره بین‌المللی و هنجارهای مربوط به حقوق بنیادین انسانی و حقوق بشری، قابل طرح می‌باشد.

۴. پیگرد حقوقی وضعیت میانمار در دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری، به عنوان رکن حقوقی سازمان ملل متحد، وظیفه حل و فصل اختلافات با ماهیت حقوقی را دارا می‌باشد. طرح دعوی در دیوان منوط به رضایت طرفین می‌باشد که ممکن است پیشتر در قالب یک شرط در یک قرارداد یا اعلامیه یکجانبه از طرف دولت اعلام شده باشد و یا پس از اختلاف در قالب یک موافقت‌نامه اعلام گردد. با توجه به بند (۲) ماده (۳۶) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختلاف در زمینه «تفسیر یا اجرای یک معاهده بین‌المللی» می‌تواند از مواردی باشد که اختلاف بین دو دولت ماهیتاً حقوقی محسوب گردد.

بر این اساس، دولت گامبیا طرح دعوایی علیه دولت میانمار در سال ۲۰۱۹ در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت نمود که بر مبنای آن مدعی گردید که میانمار به عنوان یکی از طرف‌های کنوانسیون نسل‌زدایی، تعهدات خود در خصوص مفاد این معاهده را نقض نموده است.^۲ دولت گامبیا در چارچوب دادخواست خود از دیوان تقاضای کرد که به منظور حفاظت از حقوق مورد استناد در دعوی در برابر خسارات قریب‌الوقوع و جبران‌ناپذیر، دستور موقتی صادر نماید.^۳ بر این اساس، گامبیا از دیوان می‌خواهد تا ذیل دستور موقت خود موارد را لحاظ نماید که شامل: الف- میانمار باید فوری در راستای تعهدات کنوانسیون تمام اقدامات را در چارچوب اقتدار

1. Human Rights committee

2. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar)

3. Gambia v. Myanmar, Application, para 1

خود برای پیشگیری و ممانعت از اقدام‌هایی که نسل‌زدایی مردم روهینگیا محسوب می‌گردد، اعمال دارد؛ ب- میانمار باید تضمین دهد که هیچ‌گونه واحد مسلح نظامی یا شبه‌نظامی یا غیرمنظم که ممکن است تحت دستور یا حمایت او باشد، همچنین سازمان‌ها یا اشخاص تحت کنترل، دستور یا تثیر این دولت، هیچ یک از اعمال نسل‌زدایی را نسبت به گروه روهینگیا انجام ندهند؛ پ- میانمار نباید هیچ یک از شواهد مرتبط با وقایع موضوع این دادخواست را تخریب یا غیرقابل دسترسی کند؛ ت- میانمار و گامبیا نباید اقدامی انجام دهند که منجر به تشدید یا افزایش اختلاف حاضر شود؛ ث- میانمار و گامبیا باید گزارشی از اقدام‌های انجام شده به منظور اجرای دستور اقدام‌های موقتی طی کمتر از چهار ماه پس از صدور، به دیوان ارائه کنند (مومنی راد و مقامی، ۱۳۹۹: ۲۸۳).

با صدور قرار موقت از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در ژانویه ۲۰۲۰ ذیل پرونده گامبیا علیه میانمار، وضعیت اقلیت مسلمان روهینگایی به شکل جدی‌تری مورد اهتمام قرار گرفت و پرسشها و دغدغه‌هایی که سالها در سطوح مختلف بین‌المللی طرح می‌شد، امیدوارانه‌تر به انتظار رسیدن به راه‌حلی نشست.^۱ پیش از صدور این قرار موقت نیز، دیوان بین‌المللی کیفری ذیل درخواست دولت بنگلادش از بُعد رسیدگی کیفری به جرائم فردی احتمالی به وضعیت مردم روهینگیا وارد شده است که در آنجا هم امید به دستیابی به عدالت افزوده شده است (کردونی، ۱۴۰۰: ۲۹۶). اگرچه پرونده گامبیا علیه میانمار هنوز در مراحل رسیدگی است، اما همین طرح دعوی اولان نشان از وجود چارچوب و بسترهای واکنش بین‌المللی در حقوق بین‌الملل دارد و دوم اینکه، بیانگر واکنش جامعه بین‌المللی به نقض تعهدات عام الشمول و قواعد آمره بین‌المللی می‌باشد.

۵. امکان پیگیری کیفری وضعیت میانمار در دیوان کیفری بین‌المللی

کمپین مقابله با بی‌کیفر سالهاست که در عرصه بین‌المللی به دنبال آن است که هیچ کیفری در هیچ کجا بدون مجازات نماند و بر این اساس، در عرصه بین‌المللی نیز شاهد چارچوبی کیفری در مقابله نقض‌های فاحش توسط دولتها هستیم. از جمله این ضمانت‌ها می‌توان به دیوان کیفری بین‌المللی اشاره نمود که صلاحیت رسیدگی به جرم نسل‌زدایی را دارد و حتی مقابل ماده (۲۷) اساسنامه رم، سمت رسمی افراد نیز مانعی برای رسیدگی نمی‌باشد. همچنین، لازم به ذکر است که مطابق مواد (۱) و (۱۷) اساسنامه رم، برای دیوان صلاحیت تکمیلی تعریف شده است. صلاحیت تکمیلی بیانگر آن است که دادگاههای ملی را برای تعقیب و محاکمه مرتکبان جرائم بین‌المللی نسبت به

1. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar), 23.JON, 2020, <https://www.icj-cij.org/files/case-related/178/178-20200123-PRE01-00-EN.pdf>, Access on 1/Apr/2020



دادگاه‌های بین‌المللی مقدم دانسته است و چنانچه این محاکم داخلی نخواهند یا نتوانند مرتکبان را محاکمه و مجازات نمایند، این صلاحیت به دیوان کیفری بین‌المللی منتقل می‌گردد.

به طور کلی، بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، این دادگاه در دو حالت صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی را دارد: حالت اول آن است که جنایت مذکور در قلمرو (اعم از سرزمینی، دریایی و هوایی) دولت‌های عضو ارتکاب یافته باشد (اصل صلاحیت سرزمینی یا درون‌مرزی)؛ حالت دوم نیز آن است که مرتکب، تبعه یکی از دولت‌های عضو باشد (اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت فعال). در ارتباط با جنایات ارتكابی علیه مسلمانان روهینگیا باید گفت دولت میانمار که جنایت در قلمرو و توسط اتباع آن ارتکاب یافته است، عضو اساسنامه نیست. بدین ترتیب، بر اساس این دو مبنای کلی، صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت ارتكابی اخیر در میانمار احراز نمی‌شود. با این همه، دو گزینه دیگر وجود دارد که دادگاه می‌تواند بر اساس آنها صلاحیت خود را نسبت به جنایات ارتكابی مورد بحث اعمال کند: اول آنکه طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه، هر دولت غیر عضو که جنایت در قلمرو آن یا توسط تبعه آن ارتکاب یافته باشد، مثل دولت میانمار، می‌تواند با سپردن اعلامیه پذیرش صلاحیت دادگاه نزد رئیس دبیرخانه دادگاه، صلاحیت دادگاه را نسبت به آن جنایات بپذیرد (ویردا^۱، ۲۰۰۷: ۱۹۵).

بنابراین، یکی از گزینه‌های حقوقی احتمالی در فرض مورد بحث آن است که دولت میانمار اعلامیه پذیرش صلاحیت دادگاه را صادر کند. بی‌تردید، امکان تحقق چنین فرضی با توجه به اینکه دولت میانمار حامی اصلی این جنایات بوده، دور از ذهن است. دومین گزینه آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع را به دادگاه ارجاع دهد. توضیح آنکه بر اساس ماده (۱۳) اساسنامه، ارجاع یک موضوع برای رسیدگی به دادگاه از سه طریق صورت می‌گیرد: ارجاع توسط دولت عضو، ارجاع توسط دادستان و ارجاع توسط شورای امنیت.

حال در صورت ارجاع یک موضوع توسط دولت عضو یا دادستان، صلاحیت دادگاه برای رسیدگی منوط به تحقق یکی از آن دو شرط یادشده (یعنی ارتکاب جنایت در قلمرو یا توسط تبعه دولت عضو) است؛ اما در صورت ارجاع موضوع توسط شورای امنیت، دادگاه بدون توجه به محل ارتکاب جنایت یا تابعیت مرتکب مکلف به رسیدگی است (صلاحیت جهانی). به عبارت دیگر، هرگاه شورای امنیت موضوعی را به دادگاه ارجاع دهد، دادگاه صلاحیت جهانی پیدا می‌کند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که اساسنامه از میان انواع صلاحیت‌های کیفری، اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت فعال در صورت ارجاع از سوی دولت عضو یا دادستان دادگاه و اصل صلاحیت جهانی در صورت ارجاع شورای امنیت را پذیرفته است (رحمتی و میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

1. Wierda

از آنجا که میانمار عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیست، دادگاه فاقد صلاحیت سرزمینی یا شخصی برای ورود به بحران میانمار است. از این رو، در مواجهه با بحران جاری در یک کشور غیرعضو، مثل میانمار، تنها شورای امنیت ملل متحد است که مطابق اساسنامه می‌تواند با ارجاع یک وضعیت به دیوان، صلاحیت این نهاد را نسبت به جرائم ارتکاب یافته در قلمروی سرزمینی دولت غیرعضو نیز گسترش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه نسل‌زدایی قدمت بسیار دارد، اما همواره با آن مقابله نشده است، از جمله در کیفرخواست صادره در دادگاه نورنبرگ که از نسل‌زدایی به‌طور مستقل نام برده نشد و این جرم به عنوان مصادیقی از جنایت علیه بشریت پیش‌بینی گردید. با این حال، به دلیل شدت اقدامات و داشتن سوءنیت خاص در این جرم اقدامات متعددی در عرصه بین‌المللی در زمینه مقابله و جرم‌انگاری آن صورت گرفت که از جمله آن می‌توان به معاهده نسل‌زدایی و اساسنامه رم در جرم‌انگاری این عمل اشاره نمود. عنصر مادی این جرم عبارت است از قصد خاص نابودی کل یا بخشی از یک گروه خاص (ملی، قومی، نژادی، مذهبی) که بدون انجام رفتار مجرمانه و بدون وجود شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر واقعه، نسل‌کشی تلقی نمی‌گردد. تحقق نسل‌کشی، منوط به تجلی نیت مرتکب در قتل اعضای یک گروه، ورود آسیب شدید نسبت به سلامتی جسمی یا روحی اعضای گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامطلوب منجر به زوال جسمی، انجام اقداماتی به منظور ممانعت از تولد و تناسل از یک گروه و انتقال اجباری اطفال از یک گروه به گروه دیگر است. عنصر معنوی جرم نیز شامل: الف- سوءنیت عام، که در پی تعلق اراده‌ی خودآگاه مرتکب بر فعل صلاحیت‌دار صورت می‌پذیرد؛ ب- سوءنیت خاص، که در پرتو اراده مرتکب بر سلب حیات قربانی شکل می‌گیرد؛ ج- انگیزه، که بر پایه‌ی خواسته‌ی مرتکب دایر بر نابودی تمام یا بخشی از یک گروه خاص معنا پیدا می‌کند. در خصوص عنصر قانون جرم نسل‌زدایی نیز باید گفت با وجود اینکه مواد ۲ و ۳ از پیمان منع و مجازات نسل‌زدایی مبنای جرم‌انگاری نسل‌زدایی بوده و در مورد دولت‌های متعاقد قابل اعمال است و ماده (۶) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر این مبناء اضافه شده، اما نسل‌زدایی از جنایاتی است که اکنون جزو حقوق بین‌الملل عرفی و به تعبیری، جهانی است که تمامی دول غیرعضو در اسناد مذکور را نیز متعهد می‌سازد. تاکنون جنایات متعددی علیه مسلمانان روهینگیا ارتکاب یافته است که دولت این کشور نیز نقش مهمی در ارتکاب و تشدید این جنایات داشته است و در انطباق با مصادیق نسل‌زدایی مقرر در اسناد بین‌المللی مانند قتل، صدمات شدید روحی و جسمی، قرار دادن عمدی در وضعیت نامناسب زندگی و اقدامات به منظور جلوگیری از توالد، ارتکاب نسل‌زدایی در میانمار احراز می‌گردد. بر این اساس، می‌توان گفت دولت میانمار تعهداتی در قبال مسلمانان روهینگیا داشته که



ملزم به رعایت آن بوده و اقدامات صورت گرفته نشان از عدم ایفاء تعهدات و به تعبیری، مسئولیت بین‌المللی این دولت دارد. در خصوص اقدامات علیه دولت میانمار دو فرض قابل بررسی است. نخست، اقدام حقوقی و طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری که هم‌اکنون یکی از اعضای کنوانسیون نسل‌زدایی، یعنی گامبیا، اقدام به عمل نموده است. و دیگری، اقدام کیفری در دیوان کیفری بین‌المللی که از آنجا که میانمار عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیست، دادگاه فاقد صلاحیت سرزمینی یا شخصی برای ورود به بحران میانمار است. از این رو، در مواجهه با بحران جاری در یک کشور غیرعضو، مثل میانمار، تنها شورای امنیت ملل متحد است که مطابق اساسنامه می‌تواند با ارجاع یک وضعیت به دیوان، صلاحیت این نهاد را نسبت به جرائم ارتکاب یافته در قلمروی سرزمینی دولت غیرعضو نیز گسترش دهد.

سپاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی؛ حبیب زاده، محمدجعفر و فخرناب، حسین. (۱۳۸۵). نسل کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق کیفری ایران. *فصلنامه مدرّس علوم انسانی*، ۱۰ (۳)، ۱-۲۶.
<https://clr.modares.ac.ir/article-20-12313-fa.html>
- آذری، هادی. (۱۳۸۵). تعریف و توصیف جنایت ژنوسید در پرتو رویه قضایی دادگاههای کیفری بین‌المللی برای رواندا و یوگسلاوی سابق. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۵ (۱۰)، ۵۵-۸۴.
https://jlr.sdil.ac.ir/article_44313.html
- جوانمردی صاحب، مرتضی. (۱۳۸۴). نسل‌زدایی: ساختار عناصر جرم. *مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)*، ۶۸ (۶۸)، ۱-۴۸.
https://jflps.ut.ac.ir/article_11194.html
- رحمتی، علی؛ میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۹۸). امکان‌سنجی تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات اخیر در میانمار در عرصه ملی و بین‌المللی (با تأکید بر نقش دادگاه مختلط). *حقوق دادگستری*، ۸۳ (۱۰۶)، ۸۷-۱۲۰.
http://www.jlj.ir/article_36466.html
- روستایی، علیرضا؛ آرش پور، علیرضا. (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی خشونت علیه مسلمانان میانمار به مثابه جنایت نسل‌زدایی. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷ (۴)، ۱۰۸۷-۱۱۱۰.
https://jpls.ut.ac.ir/article_65199.html
- شریعت باقری، محمدجواد. (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*. چاپ نهم. انتشارات جنگل.
- شریفی، محسن. (۱۳۷۷). ارکان نسل‌کشی در پرتو اسناد و رویه‌ی قضایی بین‌المللی. *مجله تعالی حقوق*، ۴ (۱۵)، ۶۹-۹۴.
- <https://www.magiran.com/paper/1034040>
- عزیزی، ستار و حاجی، محمد (۱۳۹۰). تعامل بین ممنوعیت قراردادی نسل‌کشی و قاعده آمره ممنوعیت نسل‌کشی. *مجله حقوق بین‌المللی*، ۲۸ (۴۵)، ۵۱-۱۳.
- http://www.cilamag.ir/article_16890.html
- فخر، حسین. (۱۳۸۸). مفهوم نسل‌کشی در پرتو روی دیوان بین‌المللی رواندا. *همایش جهانی شدن حقوق و چالش‌های آن*. نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- کردونی، ندا. (۱۴۰۰). آثار ترمینولوژی در وضعیت حقوقی اقلیت‌ها، مطالعه‌ی اقلیت روهینگیا در میانمار. *پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰ (۴۷)، ۲۷۷-۳۰۴.
- https://jlr.sdil.ac.ir/article_140173.html
- کریانگساک کیتیچایساری، حسین. (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان. نشر دانشور.
- کاسسه، آنتونیو. (۱۳۸۷). *جامعه بین‌المللی و کشتار جمعی*. ترجمه محمدعلی اردبیلی، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۰ (۲۴۰)، ۲۱۷-۲۴۰.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/539057>
- محاسب، مهین دخت. (۱۳۸۶). *کشتار جمعی (ژنوسید)*. کتابخانه گنج دانش.
- مومنی راد، احمد؛ مقامی، امیر. (۱۳۹۹). ارزیابی قضیه اجرای کنوانسیون منع نسل‌زدایی (گامبیا علیه میانمار) در پرتو تعهدات عام‌الشمول. *مطالعات حقوقی*، ۱۲ (۳)، ۲۷۹-۳۱۱.



https://jls.shirazu.ac.ir/article_5916.html

- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۲). بررسی جرائم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق با نگاهی ویژه به جرائم علیه زنان. نشر دادگستر.

- نیاورانی، صابر و دیگران. (۱۳۹۶). نسل کشی اقلیت مسلمان روهینگیا از منظر حقوق بین الملل. پژوهشنامه رسانه بین الملل، ۲(۲)، ۴۶-۱.

http://imrl.arc.irib.ir/?_action=article&kw=267039

-Wierda, Marieke, Nassar, Habib & Maalouf, Lynn (2007). Early Reflections on Local Perceptions, Legitimacy and Legacy of the Special Tribunal for Lebanon, *Journal of International Criminal Justice*, 5(5): 1065-1081.

<https://academic.oup.com/jicj/article/5/5/1065/2188968>

-Zarni, Maung & Alice Cowley (2014). The Slow-Burning Genocide of Myanmar's Rohingya. *Pacific Rim Law & Policy Journal*, 23(3).

<https://digitalcommons.law.uw.edu/wilj/vol23/iss3/8/>

-Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar)

<https://www.icj-cij.org/en/case/178/orders>

-Human Rights Watch (2013). All You Can Do is Pray: Crimes Against Humanity and Ethnic Cleansing of Rohingya Muslims in Burma's Arakan State. *Publisher: Human Rights Watch*, 1- 153.

<https://www.refworld.org/docid/518230524.html>

-International Human Rights Clinic (2015). Persecution of the Rohingya Muslims: is Genocide occurring in Myanmar's Rakhine State. *Yale Law School*.

https://www.fortifyrights.org/downloads/Yale_Persecution_of_the_Rohingya_October_2015.pdf